

## باورهای ارتباطی و تراز بی ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متاهل

### Communicational beliefs level of marriage instability among married men and women

Alireza Jamshidi\*

Hossien Sahebdeh

Zynab Shakory

علی‌رضا جمشیدی\*

حسین صاحبدل\*\*

زینب شکوری\*\*\*

#### Abstract

The cognition, thoughts, and beliefs play a prominent role in the marital life and spouses' relationship. Recognizing them can be helpful to reveal the foregrounds of marital life instability. The current study carried out with the aim of the investigation the correlation between relationship beliefs and level of marriage instability among the married men and women. The study method was survey. The statistical population consisted of all married students of Shahid Beheshti University that among them 150 subjects (74 men and 74 women) selected by convenient sampling method. The data gathering instruments included Relational beliefs inventory (RBI) and Index of Marriage instability (MII). The data were analyzed by using Pearson' correlation coefficient and multiple regression. The finding indicated that there are significant correlation between the belief of disagreement is destructive with marriage instability ( $r=0.27$ ,  $P<0.05$ ). In addition, there are significant relationship between total relationship beliefs with marriage instability ( $r=0.16$ ,  $P<0.05$ ). Moreover, the result of Stepwise regression analysis revealed that the belief of disagreement is destructive in two steps, could explain 0.07 percent of variances of marriage instability. The findings of this study can be beneficial to identify the foregrounds of collapse, marital life instability, finding effective strategies for it, carried out the clinical interventions and proper trainings.

#### چکیده

شناخت، تفکرات و باورها نقش برجسته‌ای در زندگی زناشویی و روابط همسران دارند. شناسایی آن‌ها می‌تواند در آشکار ساختن پیش‌زمینه‌های بی ثباتی زندگی زناشویی کارساز باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی میان باورهای ارتباطی و تراز بی ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متاهل به انجام رسید. روش پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری آن کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه شهید بهشتی تهران بودند و از میان آن‌ها ۱۵۰ نفر (۷۴ نفر مرد و ۷۶ نفر زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس گزینش شدند. ابزار گردآوری داده‌ها دربرگیرنده پرسشنامه ارتباطی (RBI) و سیاهه بی ثباتی پیوند زناشویی (MII) بود. داده‌ها با کارگیری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه، واکاوی شد. برآمدۀ نشان داد میان باور به مخرب بودن مخالفت با بی ثباتی پیوند زناشویی، همبستگی هماهنگ معنی‌داری وجود دارد. ( $P<0.05$   $t=0.27$ ). همچنین میان باورهای ارتباطی کل با بی ثباتی پیوند زناشویی، نیز همبستگی هماهنگ معنی‌داری وجود دارد ( $P<0.05$   $t=0.16$ ). افزون بر آن، برآمده‌ای رگرسیون گام‌به‌گام آشکار ساخت که باور به مخرب بودن مخالفت توانست در دو گام نزدیک به ۰/۰۷ درصد واریانس بی ثباتی پیوند زناشویی را تبیین کند. برآمده‌ای این پژوهش می‌تواند در راستای شناسایی پیش‌زمینه‌های فروپاشی، بی ثباتی زندگی زناشویی، یافتن راه حل‌های کارآمد برای آن، انجام مداخلات بالینی و آموزش‌های درخور کارساز باشد.

**Keywords:** communicational beliefs, marriage instability, men and women

**واژگان کلیدی:** باورهای ارتباطی، بی ثباتی پیوند زناشویی، مردان و زنان

alr\_jamshidi@yahoo.com

نویسنده مسئول)

\*. کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

\*\*. گروه مشاوره واحد قاینات، دانشگاه ازاد اسلامی، قاینات، ایران

\*\*\*. کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

ازدواج کمایش در همه جوامع، آینی با ارزش انگاشته می‌شود ازدواج و رابطه زناشویی بن‌ماهیه حمایت، صمیمیت<sup>۱</sup> و لذت آدمی است. از طرفی ازدواج مایه پیدایش همکاری، همدردی، دلستگی، مهربانی، برداری و مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده خواهد بود (بات، ۲۰۰۵؛ مدادیل و بنشف، ۲۰۰۸). دگرگونی‌های فناوری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در دگرگونی کارکرد اولیه ازدواج که دربرگیرنده عشق، مهروزی و صمیمیت میان زن و شوهر است، نقش بنیادی داشته است (برگرو هانا، ۱۹۹۹). از آنجاکه امروزه بسیاری از ازدواج‌ها به جدایی انجامیده و یا دست کم از استواری درخوری برخوردار نبوده و همچنین با در نظر گرفتن پیامدهای طلاق، شناسایی عوامل زیربنایی این چالش از راه انجام پژوهش‌های گوناگون و روی جمعیت‌های ناهمسان باشته به نظر می‌رسد.

بی ثباتی ازدواج<sup>۲</sup> همراه مفاهیمی مانند ازهم‌پاشیدگی زناشویی<sup>۳</sup>، گستن روابط زناشویی<sup>۴</sup>، طلاق<sup>۵</sup>، کیفیت زناشویی پایین<sup>۶</sup> و ترک کردن<sup>۷</sup>، استفاده شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۶). در تعریفی روش‌تر از بی ثباتی ازدواج می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به اتحال ازدواج اشاره دارد. بی ثباتی ازدواج در این تعریف دربرگیرنده سه حالت است که عبارت‌اند از: ۱- یک وضعیت عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواجم دارم)، ۲- نگرانی‌های شناختی رابطه (من چگونه به برآمد احساس می‌اندیشم یا در پس احساس من چه اندیشه‌ای وجود دارد؟) و ۳- کنش‌های آشکار (بهراستی پس از احساس و اندیشه‌های متعاقب آن دست به چه کارهایی می‌زنم؟) (وایت، لو و لوین، ۲۰۰۹).

در تعریفی دیگر، مفهوم بی ثباتی ازدواج به عنوان گرایش زوج به طلاق اشاره دارد که این جستار دربرگیرنده دو حالت است: ۱- حالت شناختی (اندیشیدن درباره این موضوع که آیا ازدواجشان در وضعیت دشواری قرار دارد یا فکر به وقوع پیوستن طلاق) و ۲- حالت رفتاری (عملی که فرد درنتیجه

<sup>1</sup>. intimacy

<sup>2</sup>. marital instability

<sup>3</sup>. Marital dissolution

<sup>4</sup>. Marital relationship disruption

<sup>5</sup>. divorce

<sup>6</sup>. Low quality of marriage

<sup>7</sup>. desertion

حساسش و یا در گفتگو با همسرش درباره طلاق انجام می‌دهد). بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون فردی و میان فردی متعددی نشئت می‌گیرد. در این میان، یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، باورهای ارتباطی<sup>۱</sup> همسرها است.

مطالعات دیدگاه شناختی و ارتباطی در مسائل زناشویی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن نشان داده‌اند که شناخت، تفکرات و باورها نقش زیادی در زندگی زناشویی و روابط همسرها ایفا می‌کنند در رویکرد شناخت درمانی بک<sup>۲</sup> بر مفروضه‌ها و باورهای موجود در طرح‌واره‌های شناختی زن و شوهر تأکید شده است. به نظر بک وقتی طرح‌واره‌های شناختی تحت تأثیر تحریفات شناختی قرار می‌گیرند، حکم باورهای غیرمنطقی را پیدا می‌کنند و این باورهای افراطی و بسیار مطلق باعث می‌شوند نظام تفسیری همسرها به صورت غیرمنطقی و نادرست عمل کند (درایدن، ۲۰۰۳).

اپستین و ایدلسون (۱۹۸۱) در مطالعات خود نشان دادند که میزان باورهای غیرمنطقی در بازه‌ی رابطه زناشویی پیش‌بینی کننده‌ی نیرومندی برای آشفتگی زندگی زناشویی است. این باورها عبارت‌اند از: ۱- توقع ذهن‌خوانی<sup>۳</sup>: انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهارنظر کردن فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند. ۲- کمال‌گرایی جنسی<sup>۴</sup>: انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی در همه موقعیت‌ها بدون توجه به وضعیت او. ۳- باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی<sup>۵</sup>: نداشتن درک درست از ناهمسانی‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، به صورت انتظار یکسان داشتن، یا ناهمسانی‌های مادرزادی را علت اختلافات دانستن. ۴- باور به تخرب کنندگی مخالف<sup>۶</sup>: به معنای نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف‌نظرها. ۵- باور به تغییرناپذیری همسر<sup>۷</sup>: اعتقاد به نداشتن توانایی همسر در تغییر رفتارها و تکرار شدن آن‌ها در آینده (برنشتاين و برنشتاين، ۱۹۸۶).

نقش باورهای ارتباطی در مسائل زناشویی در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال مولر و وانزیل (۱۹۹۱) در پژوهشی بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی ارتباط

<sup>1</sup>. communicational belief

<sup>2</sup>. Beck

<sup>3</sup>. mind reading is expected

<sup>4</sup>. sexual perfection

<sup>5</sup>. the sex are different

<sup>6</sup>. disagreement is destructive

<sup>7</sup>. partner cannot change

معنی داری را نشان دادند. هاما مسی (۲۰۰۵) در پژوهش خود با نام بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و سازگاری و رضایت زناشویی، نشان داد که بین این دو متغیر ارتباط معنی داری وجود دارد. هافر کامپ<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) در بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و رفتار متعارض دریافت که باورهای ارتباطی همبستگی بالایی با اختلاف زناشویی دارد.

پژوهش گیلبرت و همکاران (۲۰۰۰) نیز رابطه بین باورهای نقش جنسیتی<sup>۲</sup> و بی ثباتی ازدواج را مورد تائید قرار داده است. سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹) در پژوهشی با نام انتقال های زناشویی، باورهای زناشویی و سلامت روان زوجین به بررسی این موضوع پرداختند که آیا باورهای افراد درباره عملکرد، مطلوبیت و اهمیت تعديل کننده های ازدواج بر انتقال زناشویی اثر دارد. یافته های آنان حاکی از این بود که باورهای افراد به طور نظام مندی بر زندگی زناشویی اثر گذار است. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که اپستین، پرترز و فلمینگ (۲۰۰۶) در پژوهشی به نقش ارزیابی شناختی در گزارش خود از ارتباطات زناشویی پرداختند یافته های آنان نشان داد که شناخت نقش مهمی در پاسخ های زوجین به ارتباط با یکدیگر ایفا می کند و برداشت ها از ارتباط همسر چند بعدی هستند. نتایج پژوهش ویلوبای (۲۰۱۴) با موضوع نقش باورهای زناشویی به عنوان یک مؤلفه عملکرد رابطه مثبت نشان داد که باورهای زناشویی به طور قابل توجهی با ادراکات افراد از رابطه سالم که در آن باورهای مثبت تر در مورد ازدواج به طور غیر مستقیم با ادراکات افراد از رضایت بیشتر و ثبات بیشتر در ارتباط بودند همراه بود.

در جمع بندی مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده باید گفت، مسائلی مانند برداشت های منفی همسرهای داشتن معیارهای انعطاف ناپذیر، تعصبهای شخصی و سوء تفاهم یا در ک نکردن صحبت های یکدیگر آن طور که هست در اغلب ازدواج ها موجب نارضایتی زوجین شده و بر جنبه های مثبت ازدواج غلبه می یابد. با توجه به تمهیدات یاد شده و ناکافی بودن پژوهش های انجام شده در این زمینه (مخصوصاً در فرهنگ ایرانی) هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی با بی ثباتی ازدواج تعیین شد تا از این طریق گام مؤثری در جهت شناسایی پیش زمینه های فروپاشی و بی ثباتی زندگی زناشویی و کشف راه حل های مؤثر در این زمینه برداشته شود. بر این اساس، سؤالات پژوهش حاضر عبارت اند از: ۱- رابطه

<sup>1</sup>. Haferkamp

<sup>2</sup>. gender role beliefs

هر یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی با بی ثباتی ازدواج چگونه است؟ ۲- هر یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی به چه میزان بی ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند؟

## روش

پژوهش حاضر در چهار چوب یک طرح غیر آزمایشی، از نوع همبستگی انجام شده است. ۱۵۰ نفر (۷۶ زن و ۷۴ مرد)، متاهل به روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل همبستگی پیرسان<sup>۱</sup> و رگرسیون چندگانه<sup>۲</sup> استفاده گردید.

## ابزار

پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI)<sup>۳</sup>. این پرسشنامه به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی به دست ایدلسن و اپستین (۱۹۸۱) ساخته شده و به دست پور اعتماد و مظاہری (۱۳۸۰) به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه دارای ۴۰ پرسش است که هر پرسش در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود و برای نمره گذاری همه نمره‌ها باهم جمع می‌شود و نمره به دست آمده نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده آزمون است که عبارت‌اند از: باور به تخریب کنندگی مخالف (۱، ۶، ۱۱، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶)، باور به تغییرناپذیری همسر (۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۳۸)، توقع ذهن خوانی (۲، ۷، ۱۲، ۱۷)، کمال گرایی جنسی (۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹) و باور در مورد ناهمسانی‌های جنسی (۵، ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰). همسانی درونی آن در پژوهش‌های بی‌شماری مورد بررسی قرار گرفته است از جمله الیری (۱۹۸۷)، به نقل از حیدری و همکاران (۱۳۸۴) همسانی درونی آن را ۷۲ تا ۸۱ درصد گزارش کرده است. در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد.

<sup>1</sup>. Pearsonian correlation coefficient

<sup>2</sup>. stepwise regression

<sup>3</sup>. Relational beliefs inventory (RBI)

\*. شمارگویه‌هایی که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، معکوس نمره گذاری می‌شوند.

سیاهه بی ثباتی ازدواج<sup>۱</sup>. سیاهه بی ثباتی ازدواج، یک ابزار ۱۴ پرسشی است که برای اندازه گیری نبود ثبات ازدواج زناشویی به دست (ادواردز و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷، به نقل از ثابی، ۱۳۸۷) تدوین شده است. این آزمون برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در برای ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای زن و مرد متأهل ۱۵۷۸ در سال ۱۹۸۳ بکار گرفته شد. روایی این سنجه در پژوهش - های بی شماری مورد سنجش و تائید قرار گرفته است و همبستگی مثبت آن با سنجه های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با سنجه های مربوط به همکنش و خرسندی زناشویی همبستگی مورد تائید قرار گرفته است. پایایی این سنجه با روش آلفای کرون باخ ۹۳٪ گزارش شده است (ثابی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ برای کل پرسشنامه ۵۱٪ به دست آمد.

## شیوه اجرای پژوهش

در گام نخست ابزار پژوهش آماده گردید و در گام دوم در اختیار هر آزمودنی قرار داده شد و ضمن توضیحاتی در زمینه هدف پژوهش و شیوه تکمیل سنجه های استفاده شده به دست پژوهشگران، موارد اخلاقی زیر نیز رعایت گردید:

در آغاز پژوهش، با روشنگری صادقانه اهداف طرح، بر کسب رضایت آگاهانه از افراد برای شرکت در پژوهش پرداخته خواهد شد.

در اجرای پژوهش، کوشش بر آن خواهد بود که با بربایی ارتباط کارآمد با آزمودنی ها، آن ها را از لحاظ مشکلات احتمالی (اضطراب برآمده از پاسخ دادن به آزمون، کاهش عزت نفس یا اعتماد به نفس، نگرانی آزمودنی ها در رابطه با تأثیر نتایج بر سرنوشت آن ها) مورد حمایت قرار داد رازداری و محترمانه ماندن اطلاعات هم از سوی پژوهشگر کاملاً حفظ خواهد شد.

در همه اقدامات اجرای پژوهش کوشش خواهد شد تا هیچ گونه آسیب روانی، اجتماعی به شرکت کنندگان در پژوهش وارد نگردد.

<sup>1</sup>. Marital Instability Index(MII)

<sup>2</sup>. Edwards

## یافته‌ها

همه آزمودنی‌ها در سینم ۳۸ تا ۲۷ سال قرار داشته، مدرک تحصیلی آن‌ها کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده و از نظر میزان درآمد و طبقه اجتماعی و فرهنگی کم‌ویش همگون بوده‌اند. ابزار پژوهش به دست پژوهشگران در محیط دانشگاه و خوابگاه به آزمودنی‌ها ارائه شد.

### جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج

انحراف معیار	میانگین	شاخص متغیر	
		۱	۷
۶/۱۴	۱۷/۳۵	۱. باور به مخرب بودن مخالفت	
۴/۷۶	۲۱/۱۰	۲. توقع ذهن خوانی	
۵/۰۳	۱۹/۲۴	۳. باور به عدم تغییر پذیری همسر	
۵/۴۷	۲۱/۵۱	۴. کمال‌گرایی جنسی	
۴/۱۳	۲۰/۶۷	۵. باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی	
۱۷/۳۶	۹۹/۸۹	۶. باورهای کلی	
۷/۱۵	۹/۹۷	۷. بی‌ثباتی ازدواج	

جدول ۱ نشان می‌دهد که باورهای توقع ذهن خوانی و کمال‌گرایی جنسی دارای بیشترین میانگین هستند.

### جدول ۲. همبستگی میان نمرات باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج

	۱	شاخص متغیر					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. باور به مخرب بودن مخالفت	۱	۰/۱۹*					
۲. توقع ذهن خوانی		۱					
۳. باور به عدم تغییر پذیری همسر			۰/۳۲**	۰/۳۴**			
۴. کمال‌گرایی جنسی				۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۳۹**	
۵. باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی					۰/۳۰**	۰/۰۷	۰/۴۵**
۶. باورهای کلی						۰/۷۳**	
۷. بی‌ثباتی ازدواج							۰/۲۷**

\* $P < 0.05$    \*\* $P < 0.01$

نتایج ضریب همبستگی پیرسان در جدول (۲) نشان می‌دهد که میان باور به مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی و باورهای ارتباطی کل، با بی‌ثباتی ازدواج، همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد.

### جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام‌به‌گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	$R^2$	SE
۱	باور به مخرب بودن مخالفت	رگرسیون باقیمانده	۵۳۶/۴۷ ۷۰۸۵/۴۱	۱ ۱۴۸	۵۳۶/۴۷ ۷۰۸۵/۴۱	۱۱/۲۰ ۰/۲۶۵	۰/۰۰۱ ۰/۰۷۰	۰/۹۱	۰/۹۱	

### جدول ۴. خلاصه ویژگی‌های آماری دگرسیون گام‌به‌گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

متغیر	B	SE	$\beta$	t	P
باور به مخرب بودن مخالفت	۰/۳۰۹	۰/۰۹۲	۰/۲۶۵	۲/۳۴	۰/۰۰۱

نتایج جداول (۳) و (۴) نشان می‌دهد که متغیر باور به مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی، پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج است. بر پایه این نتایج F مشاهده شده معنی‌دار است ( $P < 0.05$ ) و  $0.070$  درصد واریانس مربوط به بی‌ثباتی ازدواج به‌وسیله باور به مخرب بودن مخالفت تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که متغیر باور به مخرب بودن مخالفت ( $t = 2/34$ ،  $\beta = 0/265$ ) می‌تواند واریانس بی‌ثباتی ازدواج را به‌طور معنی‌دار تبیین کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در دانشجویان متاهل انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی پیرسان نشان داد که میان نمره کلی باورهای ارتباطی و خرد سنجه باور به تخریب کنندگی مخالف با بی‌ثباتی ازدواج همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. این نتایج با نتایج برآمده از پژوهش‌های مولر و وانزیل (۱۹۹۱)، هافر کامپ (۱۹۹۴)، سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹)، هاما مسی (۲۰۰۵)، اپستاین، پرتزر و فلمنگ (۲۰۰۶) و ویلوبای (۲۰۱۴)

همخوانی دارد. در پژوهش‌های مذکور نیز رابطه باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج مورد تائید قرار گرفته است.

در تبیین احتمالی این نتایج باید گفت ارتباط زناشویی و تعاملات همسرها از عوامل بی‌شماری تأثیر می‌پذیرد. در این میان یکی از عوامل برجسته و کارساز در شیوه همکنش زوجین، نظام باورهای آن‌ها است. باورهایی که همسرها دارند و شیوه نگرش آن‌ها به پدیده‌های موجود در ارتباط می‌تواند ثبات و یا نبود ثبات را در رابطه تعیین نماید. بدک معتقد است که برجسته‌ترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوءتفاهم و خطاها شناختی و افکار خودکار (خود به خودی) است. به باور او نایکسانی در شیوه نگرش افراد مایه بروز اختلافات و پیامدهای برآمده از آن می‌شود. همچنین او معتقد است که یکی از برجسته‌ترین علل اختلافات زناشویی، انتظارات گوناگون زن و شوهر از نقش یکدیگر در خانواده است. بیشتر همسرها درباره دخل و خرچ خانواده، نگهداری فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تقسیم کار در خانواده، باورهای ناهمسان دارند (بدک، ۱۹۸۸). همسرها دارای باور تخریب‌کنندگی مخالف، آمده نیستند اختلافات پیش‌آمده را در ک کنند و تفسیرهای نامناسب و تفرقه‌افکنی را در این موارد اظهار می‌دارند (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). از طرفی هرگاه همسران نتوانند در مورد اختلافات پیش‌آمده تصمیم درست را اتخاذ کنند، این اختلافات تندی یافته و در گستره زندگی آنان متجلی می‌شود. این باور که در هنگام وجود کشمکش یک نفر باید کنار بکشد و بی‌گمان در این میان حق با یک نفر است، می‌تواند بنیاد اختلافات را تقویت نماید (هنری و میلر، ۲۰۰۴). از گلایه‌های همیشگی همسرها می‌توان منفی بودن تعاملات هرروزه آن‌ها را نام برد. همسرهای آشفته، در سنجش با همسرهای خوشبخت، بیشتر رفتار منفی همسرشان را مطرح می‌کنند. به‌حال همسرها آشفته گرایش دارند که بر پایه «مقابله به مانند» به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ دهند. به عبارت دیگر در یک رابطه آشفته اگر یک از همسرها به‌طور منفی رفتار کند، دیگری نیز به‌طور منفی پاسخ خواهد داد. در برابر، رفتارهای همسرها دارای رضایت زناشویی، کمتر تحت تأثیر رفتارهای همسرشان است. همسرها راضی در برابر اعمال گذشته همسرشان واکنش ویژه‌ای نشان نمی‌دهند (فورمن، ۲۰۰۲). با توجه به جستارهایی که ذکر شد می‌توان گفت، ثبات و پایداری ازدواج تا اندازه زیادی به تفکرات

و باورهای موجود در رابطه برمی‌گردد و تغییر در نظام باور زوج می‌تواند تغییر در تداوم ازدواج را در پی داشته باشد؛ بنابراین می‌توان گفت باورهای ارتباطی و در رأس آن‌ها باور تخریب‌کنندگی مخالف، نقش بر جسته‌ای در نبود ثبات و فروپاشی ازدواج ایفا می‌کند و وجود رابطه همبستگی میان این متغیرها منطقی به نظر می‌رسد.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که باور تخریب‌کنندگی مخالف ۷۰٪ از واریانس بی ثباتی ازدواج را تبیین می‌کند. این نتایج نیز با نتایج برآمده از پژوهش‌های مولر و وائزبل (۱۹۹۱)، هامامکی (۲۰۰۵) و هافر کامپ (۱۹۹۴)، سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹)، اپستین، پرتر و فلمینگ (۲۰۰۶) و ویلوبای (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

در تبیین احتمالی این نتایج همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد می‌توان گفت، همسرها در هنگام بروز کشمکش به دو صورت می‌توانند عمل کنند. ۱. کشمکش را یک مشکل بیرونی تلقی کرده و هردو در برابر آن با یکدیگر همکاری نمایند. ۲. هریک به دنبال یافتن مقصود بوده و نقش خود را نادیده بگیرد (فورمن، ۲۰۰۲). همسرهایی که باور تخریب‌کنندگی مخالف در آن‌ها چیره است راه حل دوم را گزینش کرده و این امر منجر به تداوم کشمکش و تندي گرفتن آن می‌شود. به طور کلی هر چه این باور در زوج ضعیف‌تر باشد آن‌ها به احتمال بیشتری اختلافات را به گونه درست حل نموده و مانع از پایدار بودن و مزمن شدن آن می‌شوند (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). هرگاه همسران به این باور برستند که اختلافات حل ناشدنی بوده و نتوانند وجود ناراحتی و کشمکش در روابط را به عنوان بخش جدانشدنی یک ارتباط دونفره پذیرند، بی‌گمان دچار دودلی شده و قادر به اتخاذ تصمیمات درست نخواهند بود (بک، ۱۹۸۸). درواقع باور به تخریب‌کنندگی مخالف که همان نپذیرفتن اختلافات و دنبال نمودن مقصود است، در بسیاری زمان‌ها می‌تواند عامل اصلی طلاق باشد (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). با توجه به تمہیدات ارائه شده، منطقی است که وجود باور تخریب‌کنندگی مخالف نقش بر جسته‌ای در پیش‌بینی ناپایداری و بی‌ثباتی ازدواج ایفا می‌نماید؛ و این متغیر می‌تواند پیش‌بینی کننده نیرومندی برای فروپاشی رابطه زناشویی باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر کاربردهای نظری و عملی را القاء می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر نقش تعیین‌کننده باورهای ارتباطی در ثبات و تداوم ازدواج دلالت دارد. همچنین

در سطح نظری، هنوز مفهوم بی ثباتی ازدواج و عوامل پیش‌بینی کننده آن، مورد توجه جدی پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است. از این‌رو پژوهش حاضر می‌تواند نقش بالارزشی در جلب توجه پژوهشگران به این متغیرها ایفا نماید. در سطح عملی نیز با توجه به تأثیرگذاری باورهای ارتباطی بر بی ثباتی ازدواج، توجه بیشتر به این سازه در زندگی زناشویی و همچنین تقویت باورهای مثبت در راستای تداوم بخشیدن به ازدواج همسرها می‌تواند کارساز باشد. پیشنهاد می‌گردد که مشاوران و متخصصان مسائل ازدواج و خانواده در جهت اتخاذ راهبردهای درمانی و حمایتی کارآمد و راهگشا از نتایج پژوهش حاضر استفاده نمایند. پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار است. با توجه به اینکه گروه نمونه را تنها دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می‌دهند و همچنین نبود امکان نمونه‌گیری تصادفی و انتخاب نمونه در دسترس، تعمیم نتایج به تمامی اقسام و گروه‌ها باید باحتیاط صورت بگیرد، از این‌رو برای موضع‌گیری بی‌چون و چراfter در بررسی ارتباط میان باورهای ارتباطی و بی ثباتی ازدواج در جامعه ایرانی، انجام پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های گوناگون‌تر و در دیگر فرهنگ‌ها، بایسته به نظر می‌رسد.

سپاسگزاری. از همه آزمودنی‌های پژوهش حاضر که با همکاری آن‌ها انجام پژوهش مقدور گردید،  
نهایت سپاس را داریم.

## منابع

- پور اعتماد، حمیدرضا و مظاہری، محمدعلی. (۱۳۸۰). سنجه باورهای ارتباطی، چاپ‌نشده، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- ثنایی، باقر و همکاران (۱۳۸۷). سنجه‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- حیدری، محمود؛ مظاہری، محمدعلی و پور اعتماد، حمیدرضا، (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت همسر. *فصلنامه خانواده پژوهشی*، ۲(۲): ۱۲۰-۱۳۰.

Beck, A.T. (1988). Love is never enough. New York: Harper & Row.

Berger, R. & Hannah, M. (1999). *Preventive Approaches in couples therapy*. Philadelphia: Brunner/ Mazel.

- Bernstein, P., & Bernstein, M. (1986). Marital therapy: A behavioral-communications approach. New York: Pergamon Press.
- Booth, A. & Edwards, J. (1985). Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 47, 465-496. National Conucil on Family Relations.
- Booth, A. & Johonson, D.R. & Booth, A. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 45, 349-387. National Conucil on Family Relations.
- Booth, A., Johnson, D., & Edwards, N. J. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and the Family*, 45, 387-394.
- Brown.S.L,Sanchez.L.A., Nock. S. L & 3WrightJ.D. (2006).Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality,stability and divorce: a comparison of covenant versus standard marriage. *Journal of social science research*,35 :457-470.
- Dryden. W. (2003). Handbook of individual therapy. Landen. LSSAG Publisher.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. B. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50(5), 715-720.
- Epstein, N., Pretzer, L.J. & Fleming, B. (2006). The role of cognitive appraisal in self-reports of marital communication. *Behavior Therapy Journal*, 18(1): 51-69. Volume 18, Issue 1, Pages 51-69.
- Epstien, N & Eidelson, R.J. (1981). Unrealistic beliefs of clinical couples. Their relationship to expectations, goals and satisfaction. *The American journal of family therapy*. 4 :13-22.
- Forman,L.R. (2002). Clinical Handbook Of Couple Therapy.New York: Guilford.
- Guilbert, D. E., Vacc, N. A., & Pasley, K. (2000). The relationship of gender role beliefs, negativity, distancing, and marital instability. *The Family Journal*, 8, 124-142.
- Haferkamp, CJ. (1994). Dysfunctional beliefs, self-monitoring and marital conflict. *Current psychology*, 13, 263-348.
- Hahlweg.K.,&Richter.D. (2010). Prevention of marital instability anddistress. Result of an 11-year longitudinal follow-up study. *Journal of Behavior Research Therapy* .48(5):377-83. doi: 10.1016/j.brat.2009.12.010.
- Hamamci,Z. (2005).Dysfunctional relationship beliefs, inmarital satisfaction and adjustment. *Jornal psychology*, 47, 28-33.
- Henry,R.G. Miller,Rb. (2004).Marital Problems Occurring In Midlife: Implications For Couples Therapists. *The American Journal Of Family Therapy*,32,405-417

- Madathil.J.,& Benshoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction:A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *The Family Journal*, 16(3), 222-230.
- Moller,A & Vanzeyl p.d. (1991). Relationship beliefs. Interpersonal perception & marital adjustment. Jornal of clinical psychology.47(1): 6-28.Vol 47, issue 1. pp 6-28.
- Simon.R.W. & Marcussen.K. (1999). Marital Transitions, Marital Beliefs, and Mental Health. *Journal of Health and Social Behavior*, 40(2): 111-125.Vol. 40, No. 2. pp. 111-125.
- Waite, L.J., Luo, Y., & Lewin, A.C. (2009). Marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being. *Social Science Research*, 38, 201–212. doi:10.1016/j.ssresearch.2008.07.001
- Willoughby, B. J., Carroll, J. S., & Busby, D. M. (2012). The effects of “living together”: Determining and comparing types of cohabiting couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29, 397–419



